

(Diction)

دکتر عباس جاهدجاه* دکتر لیلا رضایی**

چکیده

روایت شاهنامه با وجود اطناب و کندی، در موارد زیادی نیز با ایجاز و شتاب همراه شده است. بررسی ابیات شاهنامه نشان می‌دهد، یکی از عوامل مهم ایجاد شتاب در این روایت، به‌کارگیری شگردهایی در عرصه داستان پردازی مانند حذف بخشی از کنش داستانی، ارجاع به گذشته، بیان واحد حادثه تکرار شده، افزایش عناصر و اجزا و شخصیت‌های داستان و بهره‌گیری از فضاهای جادویی است؛ اما از سوی دیگر انتخاب دایره واژگان (Diction) نیز در تسریع روایت شاهنامه نقش مهمی بر عهده دارد. بررسی دایره واژگان به کار رفته در شاهنامه نشان می‌دهد که فردوسی در دو سطح قاموسی و ادبی، از تأثیر واژگان در تسریع روایت خود بهره برده است که از این دو، سهم واژگان قاموسی (اسم‌ها، فعل‌ها، صفت‌ها و قیدها) از واژگانی که در کاربرد ادبی استفاده شده‌اند (تشبیه، استعاره و کنایه) بیشتر است.

واژه‌های کلیدی

روایت، زمان، شتاب، بیان، دایره واژگان.

مقدمه

زمان یکی از مباحث مهم روایت‌شناسی^۱ است که توجه بسیاری از محققان این حوزه را به خود جلب کرده است. نخستین ویژگی مبحث زمان، پیچیدگی آن است که ریشه در ماهیت و سرشت غیرمادی آن دارد. مهم‌ترین شبهه‌هایی که در نخستین گام‌های طرح موضوع زمان به ذهن اندیشمندان این حوزه خطور کرده، به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- چگونگی تجلی زمان که پدیده‌ای نامرئی و مربوط به دنیای بیرون است، در قالب متن داستان ۲- چگونگی محاسبه دقیق زمان در دنیای داستان.

jahedjah@gmail.com

بوشهر

* استادیار زبان و ادبیات فارسی،

Leili.rezaei@gmail.com

بوشهر (مسئول مکاتبات)

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه

تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۳

تاریخ وصول: ۸۹/۸/۱۳

^۱ . Narratology

پل ریکور^۱ در کتاب «زمان و روایت»^۲ پس از بحثی طولانی درباره آرای افلاطون و ارسطو در باب زمان، به این نکته اشاره می‌کند که زمان را در عرصه داستان، نباید تنها معادل حرکت^۳ در دنیای بیرون به شمار آورد؛ زیرا در دنیای داستان پدیده زمان کاملاً منطبق با دنیای بیرون نیست. ریکور برای روشن‌تر کردن این موضوع به تقسیم‌بندی مولر^۴ (۱۹۴۸) در کتاب «ریخت‌شناسی شعر» اشاره می‌کند. در این تقسیم‌بندی، مولر، سه زمان مختلف را در حوزه روایت از هم تفکیک کرده است: «زمان عمل روایت کردن»، «زمانی که روایت می‌شود» و سرانجام «زمانی که در آن زندگی می‌کنیم» (ریکور، ۱۹۸۸: ۸۱). در این تقسیم‌بندی «زمان عمل روایت»، مدت زمانی است که هر فرد صرف گفتن یا خواندن یک داستان می‌کند. «زمانی که روایت می‌شود» تجلی زمان در داستان و چگونگی بیان یا نمایش آن است و سرانجام «زمانی که در آن زندگی می‌کنیم» همان مفهوم آشنای زمان است که در زندگی همه ما جاری است.

این تقسیم‌بندی را می‌توان اصلی‌ترین مبنایی دانست که دیگر مباحث مربوط به زمان در روایت بر آن استوار شده‌اند. پس از مولر، اندیشمندان بسیاری تلاش کرده‌اند این سه حوزه زمانی و تفاوت‌های آنها را بیشتر شناسایی کنند که در این زمینه تلاش‌های ژرار ژنت^۵ بیش از دیگران، در این حوزه مؤثر بوده است. سه اصطلاح مهمی که ژنت در مبحث زمان روایت به کار برده عبارتند از: نظم و ترتیب (Order)، دیرش (Duration) و بسامد (Frequency) یا دفعات تکرار حادثه در روایت (ر.ک. ژنت، ۱۹۸۰: ۳۳-۳۵). این سه اصطلاح، عمده‌ترین مباحث در ارزیابی زمان روایت به شمار می‌روند و به شکل مفصل و مشروح، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه، بصورت خلاصه به معرفی این مباحث خواهیم پرداخت.

الف. نظم و ترتیب^۶

این مبحث بر پایه ترتیب یا بی‌نظمی روایت حوادث داستان بر اساس معیار زمان استوار شده است. ترتیب یا نظم روایت، انطباق سیر بیان وقایع با رخ دادن آنها در دنیای واقع است؛ اما بی‌نظمی سیر روایت ممکن است، به یکی از این سه شکل پدیدار شود:

- ارجاع به گذشته^۷: به این صورت که سیر منظم داستان در زمان حال با برگشت به زمان گذشته، از نظم خارج شود و روایت به جای حرکت در زمان حال، به سوی گذشته حرکت کند.

- ارجاع به آینده^۸: به این شکل که ترتیب حرکت داستان در زمان حال با حرکت در زمان آینده، متوقف و از نظم منطقی خود خارج شود.

- تصور شخصیت درباره رویدادی احتمالی در آینده^۹: در این حالت، زمان آینده، تنها در ذهن و خیال شخصیت یا شخصیت‌های داستان جریان دارد و سیر داستان در زمان حال، با تغییر جهت به سوی ذهن آینده‌پرداز شخصیت، از نظم زمان حال خارج می‌شود (تولان، ۱۹۸۸: ۵۰-۵۴).

1. Paul Ricoeur
2. Time and Narrative
3. movement
4. Müller
5. Gerard Genette
6. order
7. flashback, analepsis
8. flashforward, prolepsis
9. uncertain anticipation

ب. دیرش^۱ یا طول مدت روایت

دیرش یا طول مدت یکی از مباحث مهمی است که در زمینه زمان روایت مطرح شده است. ژنت (ژنت، ۱۹۸۰: ۹۹-۹۳)، تولان^۲ (تولان، ۱۹۸۸: ۵۶-۶۱) و ریمون کنان^۳ (ریمون کنان، ۱۹۸۳: ۵۳-۵۵) در این زمینه تأملات ارزشمندی دارند که نتیجه آن تقسیم‌بندی دیرش به پنج دسته زیر است:

- هم‌زمانی^۴: در این حالت زمان رویدادهای داستان و زمان بیان آن یکسان و به یک اندازه است.

- شتاب^۵: در این حالت، زمانی که برای بیان داستان صرف می‌شود، از مدت زمان وقوع داستان کوتاه‌تر است.

- کندی^۶: در این صورت زمان بیان داستان از مدت زمانی که صرف روی دادن حوادث داستان شده، بلندتر است.

- حذف^۷: در این حالت بخشی از رویدادهای داستان به بیان در نمی‌آید و حذف می‌شود.

- وقفه^۸: در این حالت رویدادهای داستان متوقف شده‌اند؛ اما بیان همچنان با پرداختن به توصیف، ادامه یافته است.

البته چنان‌که خود ژنت نیز گفته‌است، از میان این موارد پنج‌گانه، دو مورد آخر؛ یعنی حذف و وقفه را می‌توان راهکارهایی عملی برای دو مورد دوم و سوم به شمار آورد؛ به این صورت که حذف حادثه یا بخشی از حوادث داستان سبب‌ساز شتاب روایت می‌شود و وقفه یا توقف زمان داستان نیز زمینه‌ساز کندی آن خواهد شد (ر.ک. ژنت، ۱۹۸۰: ۹۵-۹۳). در واقع می‌توان گفت دو مبحث شتاب و کندی، در حوزه کلیات و تعاریف انتزاعی قرار دارند؛ اما دو مبحث حذف و وقفه، راهکارهای عینی و واقعی تسریع زمان روایت یا کندی آن به شمار می‌روند. بنابراین می‌توان شتاب و حذف را در یک مبحث واحد و کندی و وقفه را نیز در مبحث واحد دیگری گنجانند.

ج. بسامد^۹

در تحلیل بسامدی، دفعات رخ دادن حادثه با دفعات بیان آن، اندازه‌گیری می‌شود. چنان‌که ژنت گفته است، سه نوع مهم بسامدی وجود دارد:

- بیان واحد^{۱۰}: حادثه‌ای که یک بار رخ داده، یک بار به بیان درآید.

- بیان مکرر^{۱۱}: حادثه‌ای که یک بار رخ داده، بارها به بیان درآید.

- بیان واحد حادثه تکرار شده^{۱۲}: حادثه‌ای که بارها رخ داده، یک بار به بیان درآید. (ر.ک. ژنت، ۱۹۸۰: ۱۶۰).

1. duration

2. Toolan

3. Rimmon Kenan

4. Isochronous Presentation

5. speed-up, acceleration

6. slow-down, deceleration

7. ellipsis, cut, omission

8. pause

9. frequency

10. singulative telling

11. repetitive telling

12. iterative telling

از میان مباحث مطرح شده، آنچه با موضوع مقاله حاضر ارتباط بیشتری می‌یابد، شتاب روایت است که یکی از تقسیم‌بندهای دیرش یا طول مدت زمان روایت به شمار می‌رود. چنانکه پیشتر هم اشاره شد، مهم‌ترین عامل ایجاد کندی در روایت، وقفه یا توقف کنش داستانی است؛ اما برای ایجاد سرعت و شتاب در روایت، گذشته از حذف برخی رخدادهای داستان، می‌توان از شگردهای دیگری نیز بهره برد. بر پایه آنچه کاترین هیوم^۱ گفته است یکی از راه‌های نشان دادن شتاب در روایت، کاربرد شیوه‌هایی است که به کمک آنها بتوان سرعت را بخوبی در متن به نمایش گذاشت (هیوم، ۲۰۰۵: ۱۰۵). در این زمینه وی سه شیوه زیر را شناسایی کرده است:

- **افزایش اجزا و عناصر موجود در داستان:**^۲ در این شیوه، بخش‌های داستان، اپیزودهای تو در تو، شخصیت‌ها، مکان‌ها یا دیگر اجزای داستان به اندازه‌ای افزایش می‌یابند که نویسنده امکان توقف بر روی هیچ کدام را پیدا نکند و مدام در حال پرش از جزئی به جزء دیگر باشد.

- **کاهش بخش‌ها و اجزای مورد انتظار در داستان:**^۳ به این صورت که نویسنده در لحظه‌های نفس‌گیر داستان، بخش‌هایی از رویدادها را حذف کند تا توقع مخاطب برای آگاه شدن از جزئیات داستان برآورده نشود. البته این مبحث همانند یکی از زیرمجموعه‌های دیرش یا طول مدت (مبحث حذف) است و همان کارکرد را دارد.

- **بهره‌گیری از فضای جادویی و فانتزی:**^۴ در این شیوه، از فضای داستان‌های جادویی و خیال‌پردازانه استفاده می‌شود؛ زیرا فاصله گرفتن از دنیای واقع و گام نهادن به فضای ناشناخته و مبهم دنیای خیالی و جادویی، مؤلف را از ذکر جزئیات و تفصیل ماجراها بی‌نیاز می‌کند و سبب می‌شود تا شتاب روایت افزایش یابد (همان، ۱۰۷).

شتاب در روایت شاهنامه

روایت شاهنامه از نظر طول مدت یا دیرش، از هر سه شیوه هم‌زمانی، کندی و شتاب بهره گرفته است. گذشته از برخی اطناب‌ها که فردوسی به شیوه رایج روزگار، در بخش‌های مختلف شاهنامه به کار برده و از این مجال‌های طولانی برای بیان توصیف‌های مبالغه‌آمیز و حماسی یا سخنان حکمت‌آمیز در ستایش خرد و یادآوری ناپایداری جهان و ... بهره برده است، هم‌زمانی و شتاب نیز در روایت شاهنامه کم نیست و به تعدیل روایت این اثر حماسی و دور نگه داشتن آن از آسیب دزدگی و ملال کمک کرده است. ابیات زیر، شواهدی از هم‌زمانی در روایت شاهنامه است:

ز نزدیک چون ترگ رستم بدید یکی باد سرد از جگر برکشید

(فردوسی، ۱۳۷۶: ۸)

یکی نیزه زد بر کمر بند اوی بدرید خفتان و پیوند اوی

(همان، ۶۱۱)

1. Kathryn Hume

2. multiplying elements

3. subtracting expected materials

4. rendering actions fantastic

در نمونه‌های یاد شده که مشابه آنها در متن شاهنامه بسیار است، مدت زمان رخ دادن حادثه در دنیای خارج با مدت زمانی که صرف بیان آن شده برابر است. مثلاً دیدن ترگ رستم و آه کشیدن در متن همان زمانی را به خود اختصاص داده که در دنیای واقع صرف انجام این دو قعل می‌شود. همین نکته در زدن نیزه و دریدن خفتان وجود دارد. شتاب نیز، همراه با هم‌زمانی و کندی، یکی دیگر از شگردهای فردوسی در بیان روایت شاهنامه است که نمونه‌های آن در شاهنامه بسیار است. مواردی مانند:

که شد خاک لعل از کران تا کران	بکشند چندان ز جنگ‌اوران
(همان، ۲/ ۱۶۶)	
مران ماهرخ را به می کرد مست	بیامد یکی موبدی چرب‌دست
بتابید مر بچه را سر ز راه	بکافید بی‌رنج پهلوی ماه
که کس در جهان این شگفتی ندید	چنان بی‌گزندش برون آورید
(همان، ۱/ ۲۳۸)	

در این ابیات، طول مدت بیان و روایت، بسیار کوتاه‌تر از زمانی است که در دنیای واقع صرف روی دادن حادثه شده است. در نمونه اول، کشتن تعداد زیادی از جنگاوران و سرخ شدن خاک از خون آنان که ساعت‌ها به طول انجامیده تنها در یک بیت بیان شده است. در نمونه دوم نیز تمام ماجرای تولد دشوار و طولانی رستم در سه بیت به بیان در آمده است. این مثال‌ها و نمونه‌ها در متن شاهنامه فراوان یافت می‌شود؛ اما برای دستیابی به نتیجه‌ای دقیق در زمینه جایگاه شتاب در این روایت و موارد کاربرد آن، باید شیوه‌های تسریع روایت را که فردوسی در سطح بیانی اثر خود به کار برده، بررسی کنیم.

سطح داستانی،^۱ سطح بیانی^۲ و سطح روایی^۳

چنانکه پیشتر ذکر شد، مولر با تأمل درباره زمان روایت، سه حوزه متفاوت را شناسایی کرده است: «زمان عمل روایت کردن»، «زمانی که روایت می‌شود» و سرانجام «زمانی که در آن زندگی می‌کنیم». اندیشمندان حوزه روایت، در بررسی جنبه‌های گوناگون زمان، از جمله شتاب، به این تقسیم‌بندی توجه کرده و مباحث خود را بر اساس آن بنا کرده‌اند. از جمله مانفرد جان^۴ عقیده دارد که اندازه‌گیری گام (Tempo) در هر داستان با مقایسه زمان داستان^۵ و زمان بیان آن^۶ امکان‌پذیر است. همچنین بیتنز^۷ در نقد آرای هیوم در زمینه شگردهای تسریع روایت، بر اساس همین تقسیم‌بندی مولر، سطوح سه‌گانه داستانی، بیانی و روایی را مطرح و بررسی می‌کند (ر.ک. بیتنز، ۲۰۰۶: ۳۵۱). به این ترتیب که

1. Story level
 2. Discourse level
 3. narration level
 4. Manfred John
 5. Story time
 6. discourse time
 7. Jan Beatens

- در مرتبه داستان، شتاب یا کندی زمان معمولاً در گرو چگونگی رخ دادن حوادث و کنش‌های داستانی است. بر این اساس می‌توان گفت: در این سطح برخی داستان‌ها سیر پرشتابی دارند و برخی برعکس، خط سیر کندی را تجربه می‌کنند. در داستان‌هایی که در این مرتبه، روند کندی دارند، معمولاً توصیف بیشتری وجود دارد.

- در مرتبه بیان، آنچه شتاب یا کندی روایت را رقم می‌زند، تنها چگونگی رخ دادن کنش‌ها در مرتبه داستانی نیست؛ بلکه نویسنده با کاربرد شیوه‌های خاص در داستان‌پردازی یا گزینش واژگان دارای بار معنایی شتاب یا کندی، در تسریع روایت یا کاهش سرعت آن نقش اساسی خواهد داشت.

- مرتبه روایت، مرتبه‌ای خارج از متن داستان است و شتاب یا کندی آن، بستگی به چگونگی قرائت و خوانش مخاطب دارد.

از میان این سه مرتبه، آنچه به پژوهش حاضر در زمینه بررسی شتاب روایت شاهنامه، ربط می‌یابد سطح بیانی روایت است. عواملی را که در سطح بیانی، شتاب هر روایت را رقم می‌زند، به دو دسته می‌توان تقسیم کرد.

۱- شیوه‌ها و شگردهای داستان‌پردازی

هر نویسنده، در پردازش داستان خود و انتخاب پیرنگ^۱ آن، بر اساس اهداف مورد نظر خویش، به شیوه‌ای خاص عمل می‌کند. شتاب دادن به داستان و تسریع روند آن نیز هدفی است که هر نویسنده می‌تواند با کاربرد شیوه‌ها و شگردهای خاص در تنظیم پیرنگ داستان و پردازش آن، بدان دست یابد. از جمله مهم‌ترین این شیوه‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- حذف بخش یا بخش‌هایی از رویدادهای داستان (← مبحث دیرش یا طول مدت)

- بیان بخشی از رویدادها به صورت ارجاع کوتاه ملات به گذشته (← مبحث نظم)

- بیان واحد حادثه‌ای که بارها تکرار شده (← مبحث بسامد)

- افزایش عناصر و اجزای داستان (← آرای هیوم)

- کاربرد فضای جادویی و فانتزی در داستان (← آرای هیوم)

بازنگری متن شاهنامه نشان می‌دهد که فردوسی در شتاب‌بخشیدن به روایت خود، از شگردهای یاد شده بهره گرفته است. البته در این میان سهم عامل «حذف» در شتاب روایت شاهنامه بسیار زیاد است و می‌توان آن را پرکاربردترین شیوه تسریع روایت در این اثر دانست که در بسیاری از بخش‌های این متن دیده می‌شود؛ مثلاً در روایت کودکی و نوجوانی زال، حذف بخشی از ماجرا، شتاب زیادی به بیان داستان داده است:

نگه کرد سیمرخ با پچگان	بدان خرد خون از دو دیده چکان
شکاری که نازکتر آن برگزید	که بی شیر مهمان همی خون مزید
بدین‌گونه تا روزگاری دراز	برآورد داننده بکشاد راز
چو آن کودک خرد پرمایه گشت	بر آن کوه بر روزگاری گذشت
یکی مرد شد چون یکی زاد سرو	برش کوه سیمین میانش چو غرو

(فردوسی، ۱۳۷۶: ۱۴۰/۱)

^۱ . plot

چنان‌که دیده می‌شود، ماجراهای سال‌های کودکی و دست‌کم بخشی از نوجوانی زال از این بخش از روایت شاهنامه حذف شده و تمامی این سرگذشت طولانی و عجیب، تنها در همین چند بیت به بیان در آمده است. گذشته از حذف، دیگر عوامل ایجاد شتاب در متن شاهنامه چندان پرکاربرد به نظر نمی‌رسند که البته بررسی و آمارگیری دقیق آنها نیاز به پژوهشی مستقل دارد

۱- دایره واژگان^۱

گذشته از شیوه‌های پردازش داستان و چگونگی ترتیب پیرنگ، در تعیین شتاب یا کندی هر متن، واژگان به کار رفته نیز سهم بسزایی دارند. به طور کلی باید گفت: در بررسی سبک شعر یا سبک نثر هر ادیب، توجه به سطح لغوی آثار وی اهمیت بسیاری دارد و در دانش سبک‌شناسی به این مسأله توجه زیادی نشان داده شده است. بدون شک واژه‌هایی که هر مؤلف در اثر خود به کار می‌گیرد، نمایانگر سطح تفکر و اندیشه او و نیز مهارت وی در نوع ادبی است که برگزیده است؛ مثلاً در یک اثر حماسی باید واژگان فخیم و پرطمطراق به کار گرفته شود؛ در مقابل هیچ اثر غنایی بدون توجه به کاربرد واژگان لطیف و خوش‌نوا که بیانگر احساسات ناب بشری است، چندان موفق نخواهد بود. بنابراین فهم یک شعر در حقیقت فهم کارکردهای مختلف واژه‌هاست و انتخاب واژگان نیز در هر اثر ادبی باید با توجه به سطوح معنایی مختلف آنها انجام شود (ر.ک. ولوسکی، ۲۰۰۱: ۴).

انتخاب واژگان صحیح برای هر اثر ادبی، بخش مهمی از هنر ادبا و نماینده تفکر و سبک آنان است. دایره واژگان انتخاب شده در هر اثر با اصطلاح «Diction» معرفی شده است و این اصطلاح در بررسی‌های منتقدان ادبی یا زبان‌شناسانی که به دنبال شناسایی سبک شاعر یا نویسنده‌ای خاص‌اند، اهمیت بسیاری دارد.

به نظر می‌رسد، سهمی از شتاب روایت شاهنامه، مربوط به دایره واژگانی است که فردوسی برای بیان ماجراها انتخاب کرده است. بازخوانی دقیق شاهنامه از این دیدگاه مثال‌ها و نمونه‌های زیادی را در این زمینه در اختیار می‌گذارد. مثلاً در داستان سهراب و نبرد او با جنگاوران دژ سپید، زمانی که گردآفرید مهارت جنگی خود را به رخ سهراب می‌کشد، سهراب از شدت خشم، شتابان به سوی لشکر خود می‌رود تا نیزه خود را برگیرد و به نبردی دلاورانه روی آورد. بدون شک بازگشت سهراب و برداشتن نیزه در لحظات حساس نبرد، باید بسرعت انجام گیرد؛ اما بیان استادانه فردوسی، شتاب این حرکت را چندین بار بیشتر از دنیای واقع به نمایش گذاشته است:

زدوده سنان انگی در ربود بیامد بدو هم به کردار دود

(فردوسی، ۱۳۷۶: ۱۸۶/۱)

فعلی که فردوسی در مصرع اول این بیت به کار برده، هم مفهوم برداشتن و هم معنای سرعت را در خود دارد و بسیار ادیبانه برگزیده شده است. مطالعه متن شاهنامه نمونه‌های بسیاری از این واژگان را نشان می‌دهد و نقش واژگان بیانگر مفهوم شتاب را در تسریع روایت این اثر حماسی تأیید می‌کند. به هدف بازنگری دقیق‌تر دایره واژگان بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه، در ادامه در دو سطح قاموسی و ادبی به بررسی متن شاهنامه خواهیم پرداخت.

سطح قاموسی و سطح ادبی

^۱ . Diction

بر پایه نظر زبان‌شناسان، زبان را در پنج سطح گوناگون می‌توان مطالعه کرد: سطح واجی، سطح واژگانی، سطح نحوی، سطح معنایی و سطح هنری. واژگان یا واژک‌ها دو نوع‌اند: مستقل (آزاد) یا غیر مستقل (وابسته). واژگان آزاد نیز دو گونه‌اند: الف. قاموسی؛ مانند انواع اسم، صفت و قید. ب. دستوری؛ مانند حرف ربط، حرف اضافه و ضمیر (ر.ک. وزیرنیا: ۱۰۰، ۱۳۷۹). از میان این موارد، آنچه به مطالعه دایره واژگان در متون مختلف ربط می‌یابد، واژگان قاموسی است؛ اما همین واژگان قاموسی، زمانی که در متن ادبی قرار می‌گیرند، زبان را به سطح ادبی سوق می‌دهند؛ زیرا در کارکردهای بیانی خاصی قرار می‌گیرند و جامعه آرایه‌های ادبی بر تن می‌کنند. البته بی‌شک تمام واژگان به کار رفته در متون ادبی، کارکرد ادبی ندارند و در شمار آرایه‌ها قرار نمی‌گیرند. بنابراین در بررسی هر اثر ادبی، باید در نظر داشته باشیم که گذشته از سطح قاموسی، با سطح ادبی واژگان نیز روبه‌رو هستیم و لازم است تفاوت میان این سطوح در نظر گرفته شود.

در بررسی دایره واژگان بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه، باید در ابتدا دو حوزه قاموسی و ادبی را از هم تفکیک و هر یک را به صورت مجزا محاسبه کرد.^۱

الف. واژگان قاموسی

مهم‌ترین واژگان قاموسی که در شاهنامه بیانگر مفهوم شتاب‌اند، عبارت‌اند از: اسم، فعل، صفت، قید.

- اسم‌ها

در شاهنامه، تعداد اسامی بیانگر مفهوم شتاب اندک است. در جدول زیر شش مورد معرفی و شمارش شده است که از این میان، «بادپای» که در واقع صفت است، بیست بار در جایگاه اسم به کار رفته است. شمار تکرار تمامی این اسامی به ۱۳۱ بار می‌رسد.

جدول شماره ۱

۱	بادپای	۲۰ بار	۴	شتاب	۳۵ بار
۲	تگ	۱۷ بار	۵	گریز	۴۳ بار
۳	(تند)پا	۱۰ بار	۶	نوند	۶ بار

جدول اسم‌های بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه

- فعل‌ها

در جدول زیر چهل و یک فعل (ساده، پیشوندی، مرکب، عبارت فعلی) بیانگر مفهوم شتاب، آورده شده که شمار تکرار کل آنها در شاهنامه به ۸۱۳ بار می‌رسد.

نکته‌ای که در اینجا باید توضیح داد این است که فردوسی گاه برخی افعال را در مفهومی تا حدودی متفاوت از مفهوم اصلی آنها به کار گرفته است. مثلاً فعل «خرامیدن» که معنای آهستگی و با ناز راه رفتن را دارد در شاهنامه بارها و بارها در مفهوم شتاب و با قیدهای سرعت به کار رفته است. مثلاً فعل «خرامید» که ۷۵ بار در شاهنامه به کار رفته است ۳۰ بار با قید «تفت»، سه بار با قید «زود» و یک بار با قید «تیز» همراه شده که همگی بیانگر مفهوم شتاب‌اند.^۲

دگر روز شبگیر سودابه رفت بر شاه ایران خرامید تفت

(فردوسی، ۱۳۷۶: ۱۴/۳)

جدول شماره ۲

۱	اندر شتافتن	۴ بار	۱۵	تگ آوردن	۲ بار	۲۹	راندن	۷۶ بار
۲	انگیختن (باره)	۱ بار	۱۶	تندی کردن	۴ بار	۳۰	رمیدن	۲ بار
۳	براندن	۹۷ بار	۱۷	تندی گرفتن	۱ بار	۳۱	روی نهادن	۹۲ بار
۴	برانگیختن	۵۳ بار	۱۸	تیزرانی کردن	۱ بار	۳۲	شتاب آمدن	۱۱ بار
۵	برتازیدن	۱ بار	۱۹	تیز کردن	۶ بار	۳۳	شتاب آوردن	۴ بار
۶	برخرامیدن	۱ بار	۲۰	جستن (برجستن، برپای جستن)	۲۱ بار	۳۴	شتاب داشتن	۳ بار
۷	بردواندن	۱ بار	۲۱	جنیدن	۴۲ بار	۳۵	شتاب کردن	۱۷ بار
۸	برفگندن	۱ بار	۲۲	جهاندن	۱ بار	۳۶	شتاب گرفتن	۱۰ بار
۹	برنوشتن	۵ بار	۲۳	چماندن	۴ بار	۳۷	شتافتن (شتابیدن)	۴۰ بار
۱۰	بشتافتن	۵۳ بار	۲۴	چمیدن	۱۰ بار	۳۸	شتافتن عنان	۱ بار
۱۱	پیچیدن	۱ بار	۲۵	خرامیدن	۴۷ بار	۳۹	گرازیدن	۳ بار
۱۲	پویاندن	۱ بار	۲۶	درآمدن	۱۴ بار	۴۰	گریختن	۱۷ بار
۱۳	پویدن	۳۲ بار	۲۷	در شتاب شدن	۱ بار	۴۱	گریز گرفتن	۴ بار
۱۴	تاختن	۱۸۲ بار	۲۸	دویدن	۲۴ بار			

جدول افعال بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه

- صفت‌ها

جدول زیر صفت‌های بیانگر مفهوم شتاب را در شاهنامه در بر می‌گیرد که شمار تمامی این صفت‌ها به عدد ۳۶۱ می‌رسد. توضیح اینکه تمام این صفت‌ها تنها در کاربرد معنای شتاب شمارش شده‌اند؛ مثلاً صفت «مست» ۴۴ بار در معنای «به شتاب رونده» به کار رفته و اغلب، صفت اسب‌ها یا شترهای تندرو (هیونان مست) واقع شده است. معانی دیگر این صفت مانند لایعقل، مدهوش و ... که در دیگر ابیات شاهنامه به کار رفته، در جدول زیر شمارش نشده است.

جدول شماره ۳

۱	آسوده	۴ بار	۱۷	تیز	۲۶ بار	۳۳	دوان	۳ بار
۲	بادآور	۱ بار	۱۸	تیزپای	۳ بار	۳۴	دونده	۲ بار
۳	بادپا	۲۴ بار	۱۹	تیزپر	۳ بار	۳۵	راهوار	۱ بار
۴	با شتاب	۱ بار	۲۰	تیزتگ	۱۵ بار	۳۶	رهوار	۲ بار
۵	پران	۱۴ بار	۲۱	تیزتاز	۲ بار	۳۷	سبک	۷ بار
۶	پر شتاب	۳ بار	۲۲	تیزرو	۱۹ بار	۳۸	سبکسار	۳ بار
۷	پرنده	۲ بار	۲۳	تیزگرد	۴ بار	۳۹	شتابنده	۱ بار
۸	پولادسم	۲ بار	۲۴	جمنده	۲ بار	۴۰	گامزن	۹ بار
۹	پوینده	۱۰ بار	۲۵	جهنده	۲ بار	۴۱	گسسته مهار	۲ بار
۱۰	تازان	۳ بار	۲۶	چمان	۶ بار	۴۲	گرم	۳ بار
۱۱	تازنده	۳ بار	۲۷	چماننده	۴ بار	۴۳	گریزان	۱۹ بار

۱۲	تازی	۷ بار	۲۸	چمنده	۲ بار	۴۴	گريزنده	۱ بار
۱۳	تند	۲ بار	۲۹	درگريز	۴ بار	۴۵	مست	۴۴ بار
۱۴	تندبالا	۶ بار	۳۰	دمان	۵۶ بار	۴۶	نوند	۲۰ بار
۱۵	تندتاز	۲ بار	۳۱	دمنده	۷ بار	۴۷	نيک‌تاز	۱ بار
۱۶	تندرو	۱ بار	۳۲	دو اسبه	۳ بار			

جدول صفت‌های بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه

- قیدها

جدول زیر، قیدهای بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه را نشان می‌دهد. تعداد این قیدها ۳۳ مورد است و شمار تکرار همه آنها در شاهنامه به ۱۲۰۵ بار می‌رسد که بالاترین رقم در واژگان قاموسی بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه است.

جدول شماره ۴

۱	اندر تگ اسب	۱ بار	۱۲	تفت	۱۱۱ بار	۲۳	زود	۱۶۱ بار
۲	(هم) اندر زمان	۱۰۵ بار	۱۳	تند	۱۰ بار	۲۴	سبک	۸۵ بار
۳	با شتاب	۲ بار	۱۴	تیز	۱۱۶ بار	۲۵	گرازان	۳۹ بار
۴	به یکبارگی	۱ بار	۱۵	جنبان	۱ بار	۲۶	گرازان گرازان	۱ بار
۵	بی‌درنگ	۳۷ بار	۱۶	چمان	۵ بار	۲۷	گرم	۱۱ بار
۶	پر شتاب	۳ بار	۱۷	(هم) در زمان	۳۰ بار	۲۸	گريزان	۵۰ بار
۷	پویان	۵۶ بار	۱۸	در شتاب	۱ بار	۲۹	گريزان گريزان	۱ بار
۸	پوینده	۵ بار	۱۹	دمان	۱۶۷ بار	۳۰	گريزنده	۲ بار
۹	تازان	۲۶ بار	۲۰	دمنده	۳ بار	۳۱	نوند	۳ بار
۱۰	تازنده	۱ بار	۲۱	دنان	۹ بار	۳۲	نه دیر	۱۱ بار
۱۱	تازیان	۲۴ بار	۲۲	دوان	۱۲۴ بار	۳۳	یکبارگی	۳ بار

جدول قیدهای بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه

به این ترتیب شمار کاربرد تمامی واژگان قاموسی بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه - اعم از اسم‌ها، فعل‌ها، صفت‌ها و قیدها - به رقم ۲۵۱۰ می‌رسد. چنانکه توضیح داده شد، برخی از این واژگان، به جز مفهوم سرعت، معانی دیگری هم دارند و حتی در خود شاهنامه نیز در معانی غیر از شتاب به کار گرفته شده‌اند. مانند «گرم» که در ابیات زیادی از شاهنامه به معنی داغ و پر حرارت است؛ اما به صورت صفت و قید در معنای سریع و تند نیز به کار رفته است یا «روی نهادن» که به معنای رفتن به سویی است، اما در شاهنامه بطور مکرر در مفهوم «به شتاب رفتن» استفاده شده است. از شمار ۲۵۱۰ بار تکرار واژگان قاموسی، قیدها با کاربرد ۱۲۰۵ بار، ۴۸ درصد، افعال با ۸۱۳ بار تکرار، ۳۲/۳۹ درصد، صفت‌ها با ۳۶۱ بار تکرار، ۱۴/۳۸ درصد و اسامی با ۱۳۱ بار تکرار، ۵/۲۲ درصد از کل واژگان قاموسی بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه را به خود اختصاص داده‌اند. نمودار شماره یک، این آمار را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱



درصدی واژگان قاموسی بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه

ب. واژگان در سطح ادبی

دایره واژگان بیانگر مفهوم شتاب شاهنامه را در سطح ادبی باید در سه بخش: تشبیه، استعاره و کنایه جست‌وجو کرد. البته شمار استعاره‌های دارای معنای شتاب در شاهنامه بسیار کم است و تشبیه و کنایه در زمینه بیان مفهوم شتاب کاربرد بیشتری داشته‌اند.

- استعاره

جدول زیر، استعاره‌های بیانگر مفهوم شتاب را در شاهنامه نشان می‌دهد. تعداد این استعاره‌ها ۴ و شمار تکرار آنها فقط ۲۵ بار است.

جدول شماره ۵

۱	باد	۹ بار	۲	شیر ^۳	۹ بار	۳	پلنگ	۴ بار	۴	عقاب	۳ بار
---	-----	-------	---	------------------	-------	---	------	-------	---	------	-------

جدول استعاره‌های به کار رفته در مفهوم شتاب در شاهنامه

- کنایه‌ها

کنایه‌های به کار رفته در شاهنامه که بیانگر مفهوم سرعت‌اند، اغلب در افعال متجلی شده‌اند. جدول زیر این کنایه‌ها را که تعداد آنها ۴۲ مورد و شمار تکرار آنها ۱۸۱ بار است نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶

۱	افروختن آتش از نعل	۱ بار	۱۵	بفشاردن و بیفشاردن ران	۱۶ بار	۲۹	سپردن آتش باره را	۱ بار
۲	انباز شدن با باد	۷ بار	۱۶	پسودن عنان	۱ بار	۳۰	سپردن عنان اسب را	۱۴ بار
۳	اندر زدن آتش به اسب	۱ بار	۱۷	پاشنه‌خیز کردن اسب	۱ بار	۳۱	شتافتن عنان	۱ بار
۴	اندر کنار داشتن آتش	۱ بار	۱۸	تیز کردن اسب	۵ بار	۳۲	کوتاه کردن (راه، زمان)	۳ بار

۵	افشاندن گرد بر اسب	۱ بار	۱۹	جفت شدن با باد	۴ بار	۳۳	کوتاه داشتن باد را	۱ بار
۶	باد شدن (یا گشتن) اسب	۲ بار	۲۰	جنباندن عنان	۲ بار	۳۴	گران کردن رکیب	۲ بار
۷	(مانند) باد کردن (اسب)	۱ بار	۲۱	جنبیدن آتش از باد	۲ بار	۳۵	گران شدن رکیب	۸ بار
۸	باد هوا گشتن	۱ بار	۲۲	داشتن تگ آهوان	۱ بار	۳۶	گرد فشاندن باد بر موی	۱ بار
۹	برآوردن پر	۲ بار	۲۳	داشتن نژاد از باد	۱ بار	۳۷	گرم کردن (اسب)	۵ بار
۱۰	برافشاردن ران	۱ بار	۲۴	دریافتن (اسب) باد را	۱ بار	۳۸	همبر شدن با باد	۳ بار
۱۱	برخاستن گرد	۱۷ بار	۲۵	ران نمودن اسب را	۱ بار	۳۹	همباز شدن با باد	۱ بار
۱۲	برکندن	۱ بار	۲۶	زدن آتش از سم اسب	۱ بار	۴۰	همراه شدن با باد	۲ بار
۱۳	برفگندن	۱ بار	۲۷	زدن اسب	۹ بار	۴۱	یکی گشتن با باد	۱ بار
۱۴	بسودن عنان	۱ بار	۲۸	سبک کردن عنان	۷ بار	۴۲	یار کردن اسب با باد	۱ بار

جدول کنایه‌های بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه

- تشبیهات

جدول زیر، واژگانی را نشان می‌دهد که مشبّه به ۵۰۰ تشبیه شاهنامه و همگی، بیانگر مفهوم سرعت و شتاب‌اند. در این جدول، ادات تشبیه و نیز کاربرد مشبّه‌ها در تشبیهات بلیغ هم مشخص شده است.

جدول شماره ۷

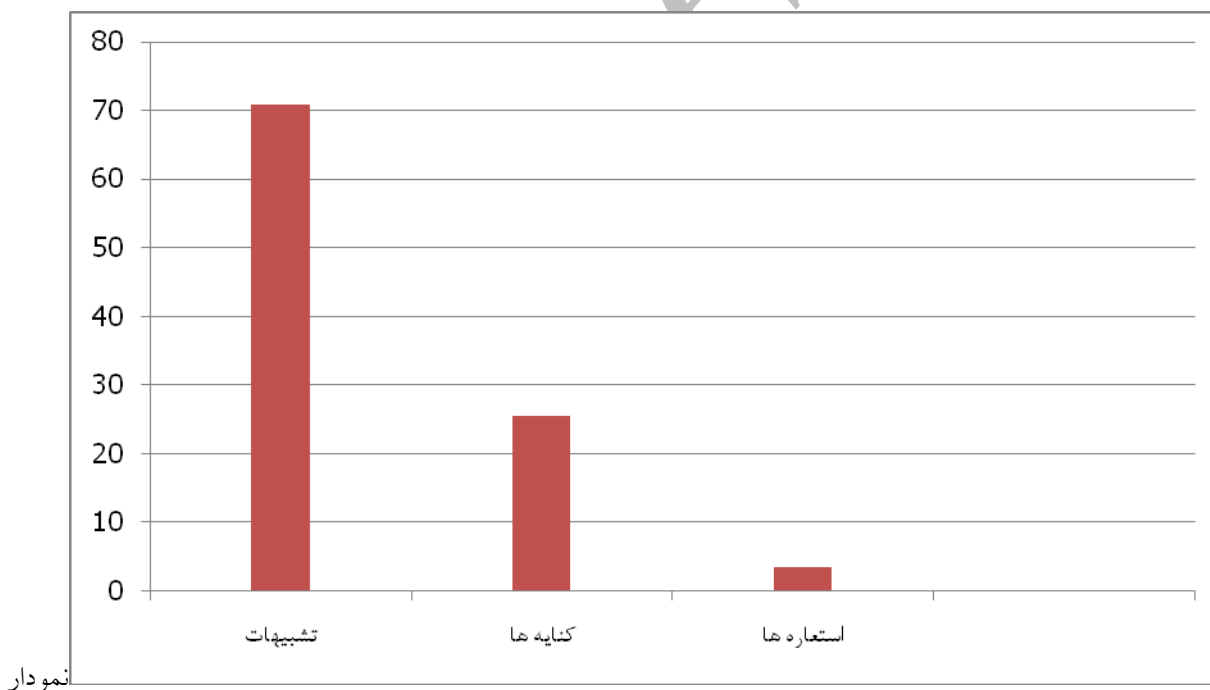
مشبّه به	موارد به کار رفته	جمع موارد
آب	چو آب (۱ بار)، به کردار آب (۲ بار)، برسان آب (۲ بار)، چو (همچو) دریای آب (۳ بار)، به کردار دریای آب (۴ بار)	۱۲ بار
آتش	چو آتش (۲۲ بار)، همچو آتش (۱ بار)، چون آتش (۱ بار)، برسان آتش (۳ بار)، به کردار آتش (۱۶ بار)	۴۳ بار
آذرگشسب	چو آذرگشسب (۳ بار)، به کردار آذرگشسب (۳ بار)، برسان آذرگشسب (۳ بار)	۹ بار
باد	چو باد (۸۶ بار)، به کردار باد (۳۳ بار)، چون باد (۳۴ بار)، برسان باد (۹ بار)، همچو باد (۳ بار)، مانند باد (۳ بار)	۱۶۸ بار
پلنگ	برسان پلنگ (۲۰ بار)، چون پلنگ (۹ بار)، چو پلنگ (۱ بار)، برسان پلنگ (۱ بار)، همچون پلنگ (۱ بار)، جزئی از مشبه به در تشبیه مرکب ۴ بار (بیازید زان سان که یازد پلنگ، چو بر کوه بر غرم تازد پلنگ، بدانسان که نخجبر بیند پلنگ)	۳۶ بار
پیل ^۴	چون پیل مست (تاختن، آمدن، رسیدن و ...) ۲۸ بار، چو پیل (۱ بار)، چو پیل ژیان (۳ بار)، برسان پیل ژیان (۱ بار)، پیل ژیان (بدون ادات تشبیه در تشبیه بلیغ) ۳ بار	۳۶ بار
دود	همچو دود (۱ بار)، چو دود (۱۳ بار)، به کردار دود (۷ بار)، برسان دود (۵ بار)، چون دود (۱ بار)، مشبه به بدون ذکر ادات تشبیه (۱۰ بار)	۳۷ بار
شیر ^۵	به کردار شیر (۱۰ بار)، چو شیر (۲۲ بار)، چون شیر (۴ بار)، برسان شیر (۷ بار)	۴۳ بار

عقاب	چون عقاب (۳ بار)، عقاب در جایگاه مشبّه به تشبیه بلیغ (۲ بار)	۵ بار
کشتی	به کردار کشتی بر آب (۱ بار)، چو کشتی بر آب (۳ بار)، چو کشتی (۲ بار)، بر سان کشتی بر آب (۴ بار)، همچو کشتی بر آب (۱ بار)	۱۱ بار
گرد	چو گرد (۵۵ بار)، بر سان گرد (۵ بار)، به کردار گرد (۱۴ بار)، چون گرد (۱ بار)	۷۵ بار
گور	به کردار گوران (۱ بار)، چو گوران (۱ بار)، برسان گوران (۱ بار)	۳ بار
مست ^۶	به کردار مست (۳ بار)، بر سان مست (۳ بار)	۶ بار
نهنگ ^۷	به سان نهنگ (۴ بار)، نهنگ در جایگاه مشبه به در تشبیه بلیغ (۱ بار)	۵ بار
نوند	چون نوند (۹ بار)، به سان نوند (۲ بار)	۱۱ بار

جدول تشبیهات به کار رفته در معنی شتاب در شاهنامه

به این ترتیب شمار تمامی واژگانی که کارکرد ادبی دارند و در شاهنامه به کار رفته‌اند به عدد ۷۰۶ می‌رسد. از این تعداد، تشبیهات با ۵۰۰ بار تکرار، ۸۲ / ۷۰ درصد، کنایه‌ها با ۱۸۱ بار تکرار، ۶۳ / ۲۵ درصد و استعاره‌ها با ۲۵ بار تکرار، ۵۴ / ۳ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. نمودار زیر این درصدها را نشان می‌دهد:

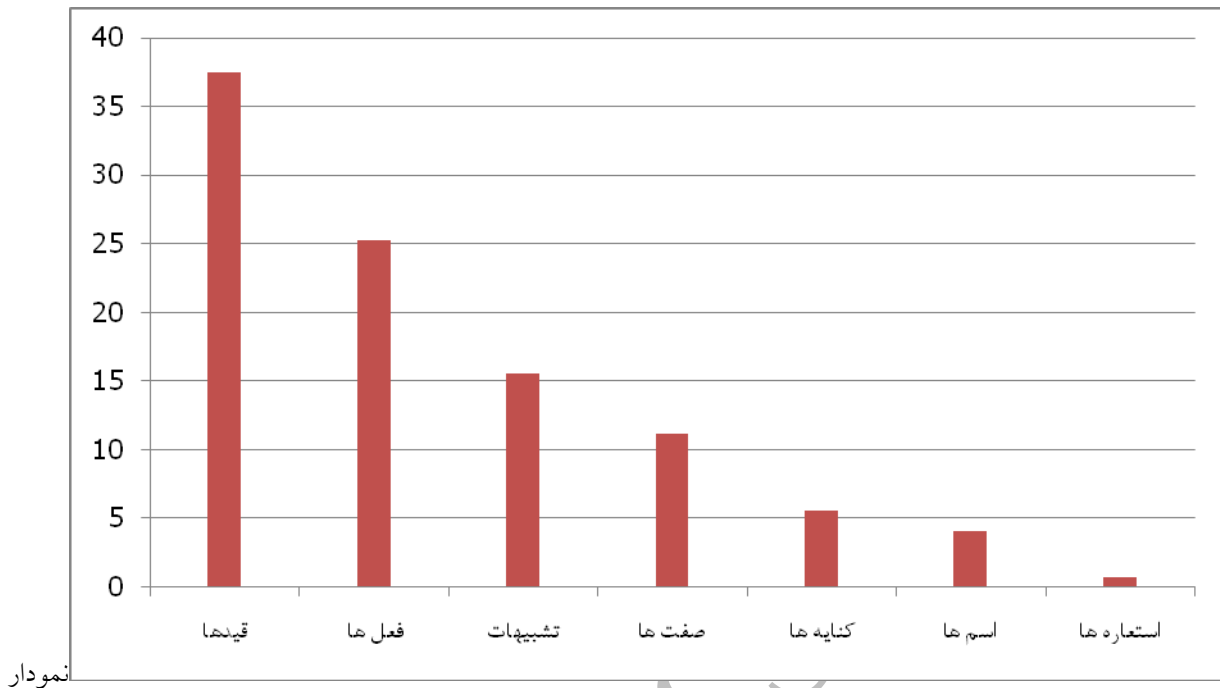
نمودار شماره ۲



نمودار درصدی واژگان سطح ادبی بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه

جمع تمام موارد تکرار واژگان قاموسی و ادبی بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه به عدد ۳۲۱۶ می‌رسد. از مجموع تمام موارد کاربرد واژگان قاموسی و ادبی، قیدها با ۴۶ / ۳۷ صدم درصد بالاترین رقم را به خود اختصاص داده‌اند؛ در مرحله بعد افعال با ۲۷ / ۲۵ صدم درصد، تشبیهات با ۵۴ / ۱۵ صدم درصد، صفت‌ها با ۲۲ / ۱۱ صدم درصد، اسامی با ۷ / ۴ صدم درصد و استعاره‌ها با ۷۷ صدم درصد در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. نمودار شماره ۳ این آمار را نشان می‌دهد.

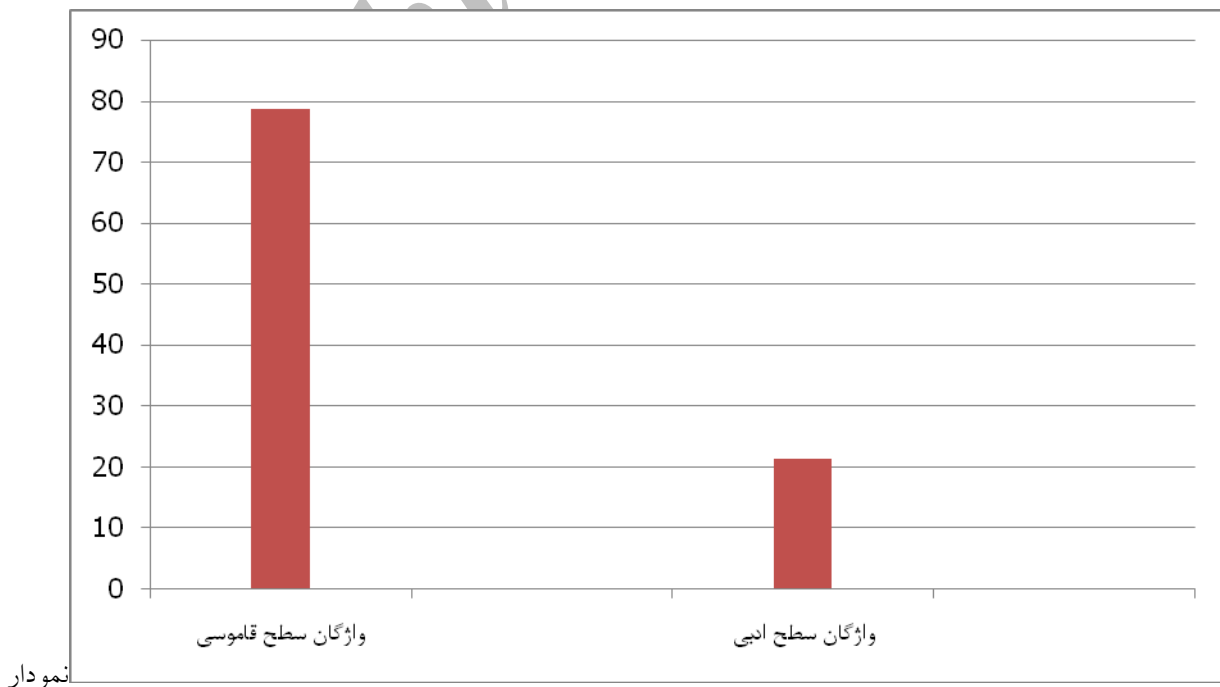
نمودار شماره ۳



نمودار درصدی واژگان قاموسی و ادبی بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه

همچنین مقایسه موارد کاربرد واژگان قاموسی و ادبی بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه نشان می‌دهد که سهم واژگان قاموسی در شتاب‌بخشی روایت شاهنامه، بسیار بیشتر از واژگان در سطح ادبی است؛ زیرا از مجموع موارد کاربرد واژگان هر دو سطح، واژگان قاموسی ۷۸ / ۰۴ درصد از کل موارد کاربرد (از مجموع ۳۲۱۶ بار) را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما سهم واژگان در سطح ادبی از این مجموع تنها ۲۱ / ۹۵ درصد است. نمودار شماره ۴ این آمار را نشان می‌دهد:

نمودار شماره ۴



نمودار درصدی کاربرد واژگان قاموسی و ادبی بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه

نتیجه

روایت شاهنامه، روایتی کند نیست؛ بلکه شتاب و ایجاز نیز در شاهنامه جایگاه مهمی دارد. بررسی شتاب در سطح بیانی روایت شاهنامه نشان می‌دهد که فردوسی در دو حوزه مجزا، عوامل شتاب‌زا را به متن خود وارد کرده است: نخست در پیرنگ و پردازش داستان که در این بخش، بیش از همه به کمک عامل حذف بخش یا بخش‌هایی از رویدادها، روند روایت را تسریع کرده است و دوم، در گزینش دایره واژگانی که در سرایش شاهنامه به کار برده است. از آن جا که شاهنامه، متنی ادبی است لازم است، دایره واژگان آن را علاوه بر سطح قاموسی در سطح ادبی نیز بررسی کرد. در سطح قاموسی، دایره واژگان بیانگر مفهوم شتاب شاهنامه، افعال، اسامی، صفت‌ها و قیدها را در برمی‌گیرد. شمار موارد کاربرد واژگان بیانگر شتاب شاهنامه در سطح قاموسی به عدد ۲۵۱۰ می‌رسد که از این رقم، اسامی ۵/۲۲ صدم درصد، افعال ۳۲/۳۹ صدم درصد، صفت‌ها ۱۴/۳۸ صدم درصد و قیدها ۴۸ صدم درصد را در برمی‌گیرد. واژگان سطح ادبی شاهنامه عبارتند از: تشبیهات (مشبّه‌به‌ها)، استعاره‌ها و کنایه‌ها. شمار تمامی موارد کاربرد واژگان بیانگر شتاب در شاهنامه به رقم ۷۰۶ می‌رسد. از این مجموع، تشبیهات با ۵۰۰ بار تکرار ۷۰/۸۲ صدم درصد، کنایه‌ها با ۱۸۱ بار تکرار، ۲۵/۶۳ صدم درصد و استعاره‌ها با ۲۵ بار تکرار، ۳/۵۴ صدم درصد را به خود اختصاص داده‌اند. مقایسه موارد کاربرد واژگان قاموسی و ادبی بیانگر مفهوم شتاب در شاهنامه نشان می‌دهد که سهم واژگان قاموسی در شتاب‌بخشی روایت شاهنامه، بسیار بیشتر از واژگان در سطح ادبی است؛ زیرا از مجموع موارد کاربرد واژگان هر دو سطح، واژگان قاموسی ۷۸/۰۴ درصد از کل موارد کاربرد (از مجموع ۳۲۱۶ بار) را در بر گرفته‌اند، اما سهم واژگان در سطح ادبی از این مجموع تنها ۲۱/۹۵ صدم درصد است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- تمامی شمارش‌ها و محاسبات به کمک نرم افزار «شاهنامه فردوسی» مؤسسه خدمات کامپیوتری نور انجام گرفته است.
- ۲- شمارش افعال با جست‌وجوی تمامی شخص‌ها و زمان‌ها و وجوه فعلی انجام شده است. مثلاً از مصدر «تاختن» همه شکل‌های «تاختن، تاختی، تاخت ... تازم، تازی، تازد،، بتازم، بتازی، بتازد، تاز، بتاز،» جست‌وجو و شمارش شده است.
- ۳- شیر، استعاره‌ای است که در شاهنامه در موارد بسیاری برای بیان قدرت و شجاعت به کار رفته است. اما تنها در ۹ مورد کاربرد، مفهوم سرعت و شتاب را در زمان حمله، به مخاطب منتقل می‌کند.
- ۴- در موارد زیادی در شاهنامه، پیل، مشبّه‌به تنومندی و قدرت است. اما در موارد شمارش شده در این بخش، شتاب پیل در حرکت، وجه شبه اصلی بیت بوده است.
- ۵- در تمام مواردی که در این قسمت شمارش شده، شیر مشبّه‌به برای تشبیه سرعت و شتاب است و به سرعت رفتن اسب یا جنگجو به رفتن شیر مانند شده است.
- ۶- وجه شبه در تمامی این موارد، تند رفتن و شتاب است.

۷- نهنگ تنها در برخی از موارد، مفهوم شتاب را در شاهنامه منتقل می‌کند. در موارد ذکر شده، قرینه‌های آشکاری از مفهوم شتاب در بیت‌های مورد نظر وجود دارد.

منابع

- ۱- امامی، نصرالله و مهدی‌زاده فرد، بهروز. (۱۳۸۷). «روایت و دامنه زمانی روایت در قصه‌های مثنوی»، ادب پژوهی، شماره ۵، ص ۱۶۰ - ۱۲۹.
- ۲- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۸)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- ۳- صفوی، کوروش. (۱۳۸۰). از زبان‌شناسی به ادبیات: شعر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ اول.
- ۴- طاووسی، محمود و راشدی، یاسین و صادق‌پور، عبدالرسول. (۱۳۸۷). ترکیب در شاهنامه فردوسی، شیراز: انتشارات نوید، چاپ اول.
- ۵- غلامحسین‌زاده، غلامحسین و طاهری، قدرت‌الله و رجبی، زهرا. (۱۳۸۶). «بررسی عنصر زمان در روایت با تأکید بر حکایت اعرابی درویش در مثنوی»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۶، ص ۲۱۷ - ۱۹۹.
- ۶- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۶). شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره، چاپ چهارم.
- ۷- نوشین، عبدالحسین. (۱۳۸۶). واژه نامک، تهران: انتشارات معین، چاپ سوم.
- ۸- وزیرنیا، سیما. (۱۳۷۹). زبان‌شناخت، تهران: نشر قطره.
- 9- Beatens, Jan & Hume, Kathryn. "speed, rhythm, movement: A dialogue on K. Hume's article 'Narrative Speed'" Narrative, Vol 14, No 3 (October 2006): 349 – 355.
- 10- Chatman, Seymour. "Story and Discourse: Narrative Structure in Fiction and Film." Ithaca and London: Cornell UP. 1978.
- 11- Currie, Mark. "About time: Narrative, fiction and the philosophy of time." Edinburgh University Press Ltd, 2007.
- 12- Genette, Gérard. "Narrative Discourse." Trans. Jane E. Lewin. Oxford: Blackwell. 1980 [1972].
- 13- Hume, Kathryn. "Narrative speed in contemporary fiction." Narrative, Vol. 13, no. 2 (May 2005): 105 – 124.
- 14- Jahn, Manfred. " Narratology: A Guide to the Theory of Narrative." English Department, University of Cologne. 2005.
- 15- Plotnic, Arthur. "Deciding on diction" 2004, writer vol 117 issue 6.
- 16- Ricoeur, Paul. "Time and Narrative." Translated by Kathleen Mclaughlin and David Pellauer, University of Chicago, Ltd, London, 1984.
- 17- Rimmon-Kenan, Shlomith. "Narrative Fiction: Contemporary Poetics." London: Methuen. 1983.
- 18- Toolan, Michael J. "Narrative: A Critical Linguistic Introduction." London: Routledge. 1988.
- 19- Volosky, Shira. "The art of Poetry." Oxford University Press, Inc, 2001.